دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی - 8 /خرداد/ 1386

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

خدای متعال را شکر می گزاریم که یك بار دیگر مجموعه ی منتخبان خدمتگزار مجلس در یك دوره ی قانونگذاری - با کوله باری از زحمات و خدمات و تلاشهائی که می توانند آنها را فهرست کنند و نام ببرند و به آن افتخار کنند - امروز گرد آمده اند.

چه خوب است که انسان - در هر مرتبه و در هر شغلی - وقتی به پشت سر خود نگاه می کند، در یك محاسبه ی دقیق و سختگیرانه و بدون مسامحه، فهرستی از کارهایی را مشاهده کند که قابل ارائه ی به پیشگاه الهی است. این که به ما گفته اند: «حاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا» و علمای سلوك و اخلاق، محاسبه را یکی از اولین وظائف سالك دانسته اند، برای این است که ما دائم در حال خواندن نامه ی عمل خودمان باشیم و در روزی که این نامه ی اعمال خوانده خواهد شد، غافلگیر نشویم. قبل از این که نامه ی اعمال ما در پیشگاه الهی مورد محاسبه و مطالعه قرار بگیرد، خود ما بخوانیم ؛ اگر کمبودی هست، اصلاح کنیم ؛ اگر نقطه ی قوتی در آن هست، خدا را بر آن سپاس بگزاریم. والا اگر این محاسبه را انجام ندهیم و غافل بمانیم، آن وقت غافلگیر می شویم.

امام سجاد در دعای ابوحمزه عرض می کند: «اللّهم فارحمنی إذا انقطعت حجّتی و کلّ عن جوابك لسانی و طاش عند سؤالك ایّای لبّی»، در مقابل سؤال الهی حجت انسان و استدلال انسان تمام می شود - به تعبیر رائج امروز، انسان کم می آورد - زبان انسان از گویائی می افتد و حتّی ذهن و عقل و لبّ انسان هم آشفته می شود ؛ «و طاش عند سؤالك ایّای لبّی». آنهایی که خودشان را زیر مداقه ی یك محاسبه قرار دادند، امید فرجی دارند. وقتی به نامه ی اعمال خود نگاه کردیم و دیدیم این نقاط کمبود وجود دارد، چون هنوز وقت باقیست و عمر باقیست، جبران می کنیم ؛ «و أنیبوا إلی ربّکم» - «أنیبوا» یعنی برگردید و جبران کنید - اگر دیدیم نقاط روشنی وجود دارد، به کمك الهی، به توفیق الهی و به هدایت الهی دلگرم و امیدوار می شویم ؛ هم خدا را شکر می گزاریم، هم ادامه می دهیم ؛ محاسبه فایده اش این است.

همان طور که یك فرد باید خودش را محاسبه کند، یك جمع هم - مثل مجلس شما، مثل دولتها، مثل مجموعه ها و افراد مسؤول در کشور - باید خودشان را محاسبه کنند ؛ ما خودمان را باید محاسبه کنیم. اگر انسان چنین فهرستی داشته باشد - مثل این فهرستی که جناب آقای دکتر حداد در بیانات شیرین و خوش لفظ و معنای خودشان طبق معمول بیان کردند - طبعاً خوشحال می شود و خدا را شکر می کند ؛ لکن قانع نمی شود. قانع نباید شد و از غفلتها و قصورها نباید اغماض کرد ؛ همچنانی که در محاسبه ی دیگران هم - تا جایی که پای دوستی ها و رابطه ها و ملاحظه ها در میان نباشد - اغماض نمی کنیم، سختگیری می کنیم و نکته می گیریم. برای خودمان هم باید همین گونه باشد. امیدواریم ان شاءاللّه خدای متعال به شما، به ما، به همه ی مسؤولین این لطف را بکند که چشم بصیر به خود به ما بدهد و قوّت بر عمل و قوّت بر عزم را در ما روز به روز بیفزاید ؛ «قوّ علی خدمتك جوارحی و اشدد علی العزیمة جوانحی.»

سه سال گذشت ؛ این سه سال - همین طور که جناب آقای حداد از قول این حقیر نقل کردند - زمان کم و زمان کوتاهی نبود ؛ لکن همین زمانهای زیاد، به چشم بر هم زدنی می گذرد و تمام می شود ؛ انسان تا به خود می آید، می بیند گذشت. عمر هم همین طور است. انسان وقتی به هفتاد سال و سنین بالا هم می رسد - حالا که الحمدللّه

خیلی از شماها جوانید - می بیند با چشم بر هم زدنی همه چیز گذشته و از این راه طولانی عبور کرده. این یك سال آخر هم باز با چشم بر هم زدنی خواهد گذشت. برای ما چه می ماند؟ کاری که در این یك سال انجام بدهیم و آن مضمونی که در این جدول و خانه های یکساله بگنجانیم ؛ مثل این حروف مقطعه ای که در جدول می گنجانیم تا یك جمله ی تمام و یك سخن درست از او در بیاید. نگاه کنیم، ببینیم ذره ذره ی کاری که در این مدت انجام خواهیم داد، چگونه است؟ چیست؟ با چه نیتی است؟ در کدام جهتی است؟ از پیش بدانیم چه می خواهیم و برای آنچه که می خواهیم، تدبیر لازم را انجام بدهیم. البته یك سال، زمان کمی هم نیست و زمان زیادی است. در این یك سال خیلی کارهای بزرگی می شود انجام داد ؛ که بعد به آنها اشاره ای خواهم کرد.

آنچه که در مورد این دوره ی از مجلس این حقیر می توانم عرض بکنم و جمعبندی ای که تا امروز از این مجلس، فی الجمله در ذهن هست - به عنوان یك شاهد و یك ناظر که در بعضی از این مجالس متعدد، اندکی بودیم و بقیه را هم از نزدیك شاهد بودیم و با آنها تعامل داشتیم - به نظر من مجلس خوبیست و جزو دوره های خوب مجلس محسوب می شود. این مجلس، از جهتی یك خصوصیتی دارد و آن این است که این ترکیب - ترکیبی که بعضی از جهات کلی و خطوط اصلی آن را عرض خواهم کرد - در یك فضای نامناسب روئید ؛ مثل گیاه یا درختی که از میان سنگلاخ برویَد. «ألا و إنّ الشّجرة البرّيّة أصلب عوداً و أبقى وقوداً» ؛ درختی که در میان سنگ می رویَد، هم محکمتر و استوارتر است و هم آن وقتی که او را تبدیل به آتش کردند، آتش ماندگارتری دارد و اثرش برای مدتها می ماند ؛ مجلس شما این گونه است.

شرائطی که قبل از پدید آمدن این مجلس به وسیله ی بعضی اشخاصی که از روی غفلت، کارهایی انجام می دادند به وجود آمده بود - رفتن به سمت تحریم انتخابات، رفتن به سمت استعفای نمایندگان، اعتصاب در مجلس، مقابله ی مجلس - چیزهای بد و عجیبی بود و صدای عمومی مجلس، با خیلی از مبانی و اصول نظام مغایرت داشت. در یك چنین فضایی، این مجلس روئید.

معنای این چیست؟ مجلس را که کسی نصب نمی کند ؛ مجلس را مردم انتخاب می کنند ؛ معنایش این است که دل این ملت برای همان چیزی می تپد که کسانی برنامه ریزی کرده بودند که آن را قلع ماده کنند ؛ دل این ملت برای اصول اسلامی می تپد. نمی خواهیم ادعا کنیم که همه ی آحاد ملت جزو مقدسین درجه ی یك اند ؛ اما می خواهیم ادعا کنیم که آنهایی هم که در عمل جزو مقدسین درجه ی یك نیستند، برای اسلام و برای ارزشهای اسلامی و برای ارزشهایی که این انقلاب به این کشور داد، اهمیت قائلند و طعم آنها را چشیده اند. حافظه ی تاریخی این ملت، نمی تواند آن دورانی را که این کشور بزرگ و این ملتِ تاریخی، بازیچه ی دستِ استعمارگران و بازیگران صهیونیست شده بود، فراموش کند ؛ می خواستند اقتصاد او را، فرهنگ او را، دل مردم را، جهت زندگی مردم را، پوشش مردم را، عقاید مردم را، دستمایه ی بازی خودشان قرار بدهند ؛ اهانتی از این بزرگتر به این ملت متصور نبود. فقر بود، تبعیض بود، زورگویی بود، ظلم بود ؛ در عین حال، همه ی اینها با اهانت به مقدسات بود، با جهتگیری های ضد اسلامی و قرآنی و دینی بود ؛ با کشاندن مرد و زن به سمت منجلاب فساد بود. حافظه ی این ملت، آن دوران را فراموش نخواهد کرد. اگر فرض کنیم در زمان حاضر، اکثر افراد ملت، آن دوران را با پوست و گوشتشان لمس نکرده اند - چون جوانند ؛ البته ماها لمس کرده ایم - اما یك ملت چیزهایی را در ذهن و حافظه ی خود نگه می دارد و آنها به معارف آن ملت، فهم آن ملت و بصیرت آن ملت تبدیل می شود. ملت این اصول را دوست دارد.

از این خواست ملت، این مجلس جوشید. شما هم در تبلیغات انتخاباتی تان غالباً بر روی اصول اسلامی، پایبندی به ارزشها، مبارزه ی با فساد، کار برای طبقه ی محروم، تلاش برای حفظ استقلال و عزت ملی، تکیه کردید. مردم هم از این شعارها و حرفها استقبال کردند و رأی دادند و این مجلس تشکیل شد. این یك پدیده است و به یك مقطعی

در تاریخ کشور تبدیل می شود. تاریخ، بیرحم است. آیندگان نگاه می کنند، قضاوت خواهند کرد و نظر خواهند داد و این مقطع یکی از آن مقاطع بسیار حساس و مهم بود. هویت مجلس شما این است.

بر مبنای همین هویت و در امتداد این شعارها، خطوط اساسی و خوبی هم - حقاً و انصافاً - تعقیب شد ؛ نه دوستان شما - طرفداران مجلس - و نه دشمنان شما نمی توانند منکر آنها بشوند. مجلس نشان داد که به طبقات ضعیف در جامعه اهتمام می ورزد ؛ برای او مسأله ی اساسی، جبران ضعف طبقات ضعیف و مردمان فقیر و دورماندگان از بسیاری از امتیازات است ؛ به این توجه نشان دادید - هم در گفته ها گفته شد، هم در برخی از قوانین منعکس شد - که بسیار مهم و خوب بود.

در زمینه ی سیاستهای اصل چهل و چهار - که می تواند یك حرکت عظیم اقتصادی در کشور بوجود بیاورد - مجلس پاسخ خوبی داد. همین کمیسیون ویژه ای که اشاره کردند، تشکیل شده و دارد خوب کار می کند. منتها باید مجلس و همه ی نمایندگان از آن حمایت کنند و این که فقط چند نفر - که عضو آن کمیسیون هستند - دنبال کنند، کافی نیست. پیش بروید و یك قانون محکم و قوی بوجود بیاورید تا یادگاری شما برای کشور بماند.

از جمله ی نقاط قوّت بسیار بارز در این مجلس، مواضع محکم و اصولی در مسائل بین المللی و در مواجهه ی با استکبار بود. خیلی بد است که دشمنانی که با یك ملت، با جهتگیری یك ملت و با اصول یك ملت مخالفند، ناگهان از دل تشکیلاتِ مدیریت کشور، یك چراغ سبز و یك علامت موافقتی دریافت کنند! خیلی خجالت آور است و انسان احساس خفّت می کند.

منطق ما در مقابله ی با دست اندازی های امریکایی، منطق ضعیفی نیست. منطقی است که اگر برای همه ی ملتهای دنیا تبیین بشود، با همه ی دل به آن می گروند. ما حرف زوری نمی زنیم ؛ حرف خلاف متعارفی نمی زنیم. ما می گوییم یك ملت و یك کشور، نمی خواهد اجازه بدهد که یك قدرت، یك امپراطوریِ متجاوز، مدعی و طلبگار از همه ی دنیا، به منابع او دست بیندازد، به منابع انسانی او دست بیندازد، سیاست او را تعیین کند و از او سلب اختیارات کند. می گویند: فلان کار را بکنید، فلان کار را نکنید، فلان چیز را بفروشید، فلان چیز را بخرید، این کار را برای حکومتتان بپذیرید، آن را نپذیرید! این کاری است که الان امریکایی ها در خیلی از جاهای دنیا دارند می کنند. در متصرفات شورویِ سابق مکرر کردند ؛ در منطقه ی خاورمیانه دهها سال است دارند می کنند ؛ در آسیا و در خیلی از کشورها دارند می کنند. ایران گفت ما نمی خواهیم شما در کار ما دخالت کنید ؛ می خواهیم خودمان تصمیم بگیریم. این حرف بدی است؟ ملت ایران در مواجهه ی روبه رو و آشکار با استکبار، می گوید شما چرا دم از حقوق بشر می زنید و این جور آشکار و فاضح حقوق بشر را در همه جا - در عراق، در افغانستان، در آفریقا، در کوزوو، حتّی در خود امریکا - نقض می کنید؟! این حرفی نیست که ملتها این را نفهمند.

شما ببینید، امروز مسؤولین کشور - رئیس جمهور یا مسؤولان بلندپایه ی دیگر - به هر کشوری که سفر می کنند، اگر بتوانند در بین دانشگاهی ها، در بین روشنفکرها یا در بین توده ی مردم حضور پیدا کنند و حرفی بزنند، با پاسخی از اعماق دل آنها مواجه می شوند. برای چیست؟ قبلاً هم همین جور بود: سفر بنده به پاکستان، سفر آقای هاشمی به آفریقا و سفرهای آقای خاتمی به بعضی نقاط دیگر. امروز رئیس جمهور ما به هر کشور اسلامی ای که می رود، اگر به مردم میدان بدهند و اجازه بدهند، بخاطر مواضع قاطعی که از ایشان شنیده اند، با گرمی بیش از حد استقبال می کنند. اینها معنایش این است که ملتها - بخصوص دنیای اسلام - این حرفها را می پسندند.

حالا ما به عنوان یك دولت، یك ملت، یك کشور، به صورت یکپارچه و یك تشکیلات حکومتی - نه به صورت یك

گروه یا حزب معترضِ مسلح یا غیرمسلح در یك گوشه ی دنیا - ایستاده ایم و داریم این حرفها را می زنیم و همه ی دنیا هم ما را بخاطر این ایستادگی تحسین می کنند ؛ ولی ناگهان از وسط جبهه ی ما - بخصوص از چادر و خیمه ی فرماندهی نظام - یك علامتی داده بشود که ما با شمائیم! «یاایّها الّذین امنوا لاتتّخذوا عدوّی و عدوّکم اولیاء ... تسرّون الیهم بالمودّة.»

این مجلس در موضع رفیع و والای مجلسِ قانونگذاری ایستاد و در همه ی ماجراها و فراز و نشیب ها، این موضع ضد استکباری خودش را علناً، با صراحت، با وضوح و با منطق، بیان کرد. منطق و استدلال هم بر سخنان و رفتار او حاکم بود. این خیلی باارزش است و نمی شود آن را ندیده گرفت. دوستان شما هم این را قبول دارند، دشمنان شما هم این را قبول دارند. این هم یکی از آن خطوط اساسی افتخارات شماست که در محاسباتتان، باید شکر او را بگزارید.

یکی از امتیازات این مجلس در این سه سال گذشته - که ان شاءالله در یك سال باقیمانده هم همین طور باشد - این بود که منشأ تشنجات سیاسی و بگومگوهای اختلاف افکن در بیرون نشد ؛ رادیو را که انسان باز می کند تا گفتگوی مجلس را بشنود، با مجموعه ای از بیانها و گفتارهایی مواجه بشود که جز دعوا و تشنج و اختلاف و اتهام از آن بیرون نمی آید. این مجلس در این زمینه، مواضع خوب و قابل قبولی داشت. البته برخی از اظهارات در مجلس هست که به آن اشاره می کنم ؛ لکن مجموعاً مجلسِ تشنج آفرینی نبود و در درون خودش خوب بود. امتیازات دیگری هم جناب آقای دکتر حداد نقل کردند و کارها و فعالیتهایی که انجام گرفته را گفتند.

برادران و خواهران عزیز! سال آخر یکی از سالهای امتحان است. من در اولِ این دوره به شما گفته ام - البته قبلاً به دوره های دیگر هم گفته ام - در مجلس، نباید نماینده ی فلان منطقه تصور کند که هنر نمایندگی او در این است که برای آن منطقه دائماً پشتیبانی جلب کند. اصلاً مسأله ی نماینده ی مجلس این نیست ؛ نباید فکر کنیم که چون ما نماینده ی فلان شهر یا فلان استانیم، مرتب بایستی برای آن شهر یا استان امتیاز بگیریم. این یك میدانِ رقابتِ غلط و بی برنامه و نادرستی است که تبعات بدی هم دارد. شما درست است که از فلان نقطه ی کشور انتخاب شده اید، اما فقط نماینده ی آن جا نیستید ؛ شما نماینده ی همه ی ملت ایرانید. شأن مجلس هم قانونگذاری است، نه گرفتن تسهیلات و کمکهای عمرانی و غیره برای آن منطقه ی خود ؛ به قانون اساسی هم نگاه کنید. شأن شما این است که قانون بگذارید ؛ منتها قانونی بگذارید که آنقدر محکم و خوب و شامل باشد که منطقه ی شما را هم سیراب کند. این حالت گاهی در سال آخر تشدید می شود ؛ حالا ما این را بی رودربایستی به شما عرض بکنیم ؛ مراقب باشید. بنابراین سال آخر، سال امتحان الهی است. همیشه این طور بوده، حالا هم همین طور است. مراقب باشید.

آنچه که به نظر من می رسد که در این یك سال انجام بگیرد - با این تصور که چون شما یك سال دیگر هم فرصت دارید که برای مردم در قواره ی مجلس شورای اسلامی کار کنید، باز همین یك سال هم فرصت مهمی است - این است که نگاه کنید و ببینید اولویتها و اهم ها چیست و با جدیت دنبال آن بروید. البته یك فهرستی هم رئیس محترم مجلس چندی پیش به من ارائه کردند که پانزده، شانزده مورد در آن نوشته شده بود ؛ خوب بود ؛ البته بنده نه تعیین می کنم و نه ترجیح می دهم، شما خودتان می دانید. تعدادی از چیزهائی را که واقعاً برای کشور مهم و اساسی و ماندگار است، یا فوری و فوتی است - و لو خیلی اساسی نیست، اما برای وضع کنونی از یك فوریتی برخوردار است - انتخاب کنید و بدون نگاه به مسائل خاصی که ممکن است برای هر کسی پیش بیاید - مسائل جناحی و شخصی و غیر ذلك - آنها را دنبال کنید. این یك سال، می تواند سال بابرکتی باشد.

البته در آن خطوط اساسیِ مهمی که لازم بود به عنوان امتیاز عرض بکنیم، مواضع قاطع شما در قضیه ی هسته ای

بود که آن هم یکی از نقاط برجسته است. خیلی خوب عمل کردید. کار درست همین بود که دولت را الزام کنید به ایستادگی ؛ دولت هم خودش علاقه مند به این کار و پیشرو در این کار است. این درست بر طبق مصلحت کشور و مصلحت آینده است. به طبقات کم درآمد و ضعیف هم مانند قبل اهتمام داشته باشید.

اگر می گوئیم به کارهای اساسی بپردازید، با همین ملاحظات اساسیِ دیگری است که در این کار وجود دارد. مثلاً یك وقتی امام به نمایندگان مجلس شورای اسلامی فرمودند که درست است که هر چه شما تصویب کنید به شورای نگهبان می رود و اگر مخالف قانون اساسی بود رد می شود ؛ اما این معنایش این نیست که شما از اول، چیزی را که می دانید مخالف قانون اساسی است تصویب کنید و به آن جا بفرستید ؛ آنها هم رد می کنند ؛ بعد هم بالاخره یك مجمع تشخیصی وجود دارد که برود آن جا! نه، این تضییع وقت مجلس است: آوردن قانونی که صریحاً بر خلاف قانون اساسی است به مجلس، یا وارد شدن به بعضی از جزئیاتِ مسائل اجرائی.

البته ارتباطات مجلس و دولت خوب است و من می دانم که ارتباطات مجلس و دولت چه طور است. الحمدللّه جهتگیری های کلی، جهتگیری های یکسانی است ؛ اگرچه اختلاف سلائقی وجود دارد. در موارد اختلاف سلیقه، بالاخره هر طرف بایستی یك مقداری کوتاه بیاید تا بتوانند مسائل را جمع کنند. این را به عنوان یك نگاه مصلحت اندیشانه ی اساسی من عرض می کنم: با دولت بایستی همراهی بشود. دولت در اداره ی کشور و در مدیریت کشور، جهتگیری درستی دارد. در همه ی برنامه ها، دولتها ممکن است با مجالس، با بعضی از نخبگان یا با بعضی از افراد دیگر اختلاف نظرهایی داشته باشند ؛ در این اختلاف نظرها هم هیچ کس نمی تواند ادعا کند که قطعاً و در همه جا، حق با این طرف است یا با آن طرف ؛ ممکن است گاهی حق با این طرف باشد، گاهی هم حق با آن طرف دیگر باشد. اما این نباید موجب بشود که دولت اصولگرای معتقد به مبانی انقلاب و بشدت در حال تحرك و خدمت و زحمت کشی، تضعیف بشود ؛ این را توجه داشته باشید.

نه اینکه بگوئیم انتقاد نکنند ؛ انتقاد دو گونه است. علامتِ دلسوزانه بودن انتقاد این است که وقتی انسان انتقاد را بیان می کند، نقطه ی قوّت را هم در کنار او بیان کند تا معلوم بشود که بنای نظر شخصی، بنای انتقام گیری و بنای اذیت کردن ندارد ؛ والّا اگر ما یك مجموعه ای داشته باشیم که نقاط قوّت و نقاط ضعفی هم دارد، آن وقت در بیان انتقاد، نقاط قوّتش را اصلاً در نظر نگیریم و به زبان نیاوریم، بعد یك یا دو یا ده تا از نقاط ضعف را همین طور بنا کنیم گفتن ؛ معلوم است که تضعیف خواهد شد. علامت این که نمی خواهیم تضعیف کنیم، این است که نقاط قوت را هم بیان کنیم. حالا اگر یك وقت در موردی انتقادی هم داریم، بگوئیم ؛ اشکالی ندارد و کسی با آن مخالفتی ندارد.

بالاخره خود هماهنگی مجلس و دولت هم یکی از برکات این دوره است. دشمنانی هم داشت و دارد ؛ این را به شما عرض بکنم. کسانی هستند که با هماهنگی دولت و مجلس مخالفند. از اول هم همین طور شعار دادند که اینها یکدست کردند ؛ با این که کسی در این یکدستی تأثیری نداشت. ملت این کار را کرده بود و این طور انتخاب کرده بود ؛ رئیس جمهور را آن طور، نمایندگان را هم این طور. حالا یکدست درآمده اند دیگر! چه کار کنیم؟ این یکدستی عیب نیست، حسن است ؛ تا بتوانند با همدیگر کار کنند و با هم اهداف مشترکی را دنبال بکنند.

توجه بکنید در این اظهاراتی که بر زبان می آورید - هم نطقِ پیش از دستور، هم بیان تذکر، هم راه های نظارت بر دولت: سؤال و تذکر و استیضاح - در طرف مقابل و جبهه ی مقابل، دشمن از روی غفلت خود یك پیام غلطی دریافت نکند. چون گاهی اوقات ما قصد بدی هم نداریم، اما طوری حرف می زنیم که طرف مقابل از حرف ما دچار اشتباه می شود ؛ خیال می کند که یك گرایش طرفدار او در بین این مجموعه وجود دارد ؛ آن وقت تشویق می شود و روحیه پیدا می کند. مواظب باشید دشمن روحیه پیدا نکند.

حالا به هر حال ما آنچه را که در پایان این سه سال به شما می توانیم عرض بکنیم، «خسته نباشید» است. ان شاءاللّه که خداوند کمکتان کند تا بتوانید همین صراط مستقیم را ان شاءاللّه با پرهیز از مزلّات ادامه بدهید و مراقب مزالّ اقدام باشید. در روایات ما هست که از موارد شبهه بپرهیزید، زیرا که نزدیك شدن به موارد شبهه انسان را در خطر لغزش به آن سوی مرز قرار می دهد. این است که امیدواریم که خدای متعال ان شاءاللّه شماها را تأیید کند، به شما توفیق بدهد و کمکتان بکند و بتوانید ان شاءاللّه در پایان این دوره، پیش خدای متعال یك کارنامه ی روشن و مورد قبول پروردگار داشته باشید.

والسّلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته